

عبدالرضا غلامی: | آشتی صنعت و مردم



نیازمندی‌های صنایع بزرگ، سرمایه‌گذاران را به مناطقی رهنمون می‌سازند که تولیداتشان توجیه فنی و اقتصادی داشته باشد. شکل‌گیری، ایجاد و توسعه صنایع بزرگ به‌طور معمول در مناطقی است که فاصله معقول و منطقی با منابع تأمین خوراک داشته باشند و از حیث امکانات ترابری، هزینه‌های مترتبه و حتی جایگزینی با منابع جدید شرایط برای آنها فراهم باشد.

افزون بر منابع تأمین خوراک، بازارهای فروش محصولات و امکانات حمل‌ونقل به آنها نیز از دیگر نیازمندی‌های صنایع است. با اندکی مطالعه درباره محل استقرار صنایع به‌سادگی می‌توان دریافت که عموماً این صنایع در مناطقی ایجاد شده‌اند که به راه‌آهن، آب‌های آزاد، فرودگاه و جاده‌های ترانزیتی دسترسی دارند تا به‌سادگی هم خوراک و مواد اولیه را تأمین و هم محصولاتشان را به بازارهای داخلی و جهانی ارسال کنند.

از ضروری‌ترین نیازهای صنایع برای تولید، آب است. چنانچه منطقه‌ای

همه تسهیلات یادشده را دارا باشد، اما آب کافی در اختیار نباشد بدون شک آن منطقه برای ایجاد صنایع مناسب نیست.

با توجه به ملاحظات بالا، در هر کشور مناطقی که امکان استقرار صنایع بزرگ را داشته باشند بسیار اندک هستند و این سبب می‌شود که برای توسعه اقتصادی کشورها صنایع در مناطق خاصی مستقر شوند. حضور صنایع با حجم بالا در این اقلیم‌ها همراه با تغییراتی است که برخی برای مردمان آن اقلیم‌ها فرصت تلقی شده و برخی دیگر تهدید است.

اشتغال، رونق کسب‌وکارهای خدماتی، امکان بهره‌گیری از زیرساخت‌های عمومی که به‌منظور تسهیل امور صنعت انجام می‌شود، از فرصت‌هایی است که در اصل باید با شکل‌گیری صنایع در مناطق ایجاد شود و در مقابل، تأثیر منفی بر اکوسیستم و محیط زیست، تغییر ماهیت مشاغل محلی و گاهی از بین رفتن آنها و تخریب زیرساخت‌های موجود با توجه به انجام فعالیت‌های گسترده صنایع از تهدیدات حضور آنها در مناطق است.

مدیران صنایع باید با مساعدت مدیران محلی طی برنامه‌ای مدون و ایجاد بستری مناسب، فرصت‌ها را قابل بهره‌برداری برای مردم کرده و تهدیدات را نیز برطرف کنند. لازم است صنایع زمینه ارتقای سطح دانش، مهارت و... افراد را فراهم سازند و البته باید هم‌زمان هنجارهای فرهنگی جامعه را حفظ و تقویت کنند.

هم‌راستایی و هماهنگی با هنجارهای فرهنگی مناطق صنعتی و توجه ویژه به آرمان‌های فرهنگی- اجتماعی این مناطق باید از اصول فعالیت مسئولیت‌های اجتماعی بنگاه‌ها به حساب بیاید و صادقانه از این ظرفیت بهره‌گیری شود. فرهنگ، آداب، رسوم و سنت‌های حاکم بر این مناطق ظرفیت‌های بالایی دارند و می‌توان آنها را با روش‌های مناسب مستند و کتاب‌هایی در این باره تألیف کرد. صاحبان صنایع باید بدانند فرهنگ اقوام و مردم مناطق صنعتی محترم است، زیرا دستاورد سال‌های متمادی زیست آنهاست و حتی در برخی مناطق به‌دلیل قدمت حکایت از هویت ملی دارد.

فرهنگ اقوام ارزش‌آفرین است، زیرا جای‌جای مناطق کشور با غنای فرهنگی‌شان درگذشته و حال ستارگانی را تربیت کرده که مایه مباهات ملی و برای کشور تاریخ‌ساز شده‌اند؛ بزرگانی همانند میرزا کوچک خان، امیرکبیر، بی‌بی مریم بختیاری، ستارخان و باقرخان، رئیس‌علی دلواری و ...

لازم به یادآوری است قواعد حاکمیت شرکتی که در سالهای اخیر در بنگاه‌های سراسر دنیا طرح‌ریزی شده پا را فراتر گذاشته و ایفای نقش مسئولیت‌های اجتماعی را لطفی از جانب بنگاه ندانسته، بلکه آن را وظیفه بنگاه می‌داند و حتی در برخی کشورها، شرکت‌ها مکلفاند علاوه بر صورت‌های مالی، صورت‌های غیرمالی نظیر مسئولیت‌های اجتماعی را ارائه کنند. در بحث خلق ارزش برای یک سازمان نگاه حاکمیت شرکتی که در سال‌های آینده فراگیر خواهد شد بیان‌کننده ارزیابی آن سازمان از سوی جامعه است. به عبارتی دیگر، از شاخص‌های موفقیت بنگاه‌ها جلب رضایت مردم به‌عنوان ظرفیت بزرگ اجتماعی است.

از مهم‌ترین ظرفیت‌های اجتماعی مناطق عملیاتی و صنعتی بزرگان، معتمدان و ریش‌سفیدان هر منطقه هستند که با درک متقابل می‌توان از این ظرفیت بسیار کارآمد استفاده کرد تا هم نظرات ساکنان این مناطق را دریافت کرد و هم برنامه‌ها، اقدام‌ها و تدابیر بنگاه‌ها را با زبان امنای مردم به گوش آنان رساند. ارتباط با این عزیزان که مورد احترام مردم نیز هستند برای طرفین بسیار راهگشا است و شاید بتوان از آن به‌عنوان مطمئن‌ترین درگاه ارتباط دوسویه با مردم نام برد.

البته باید توجه داشت یکی از مهم‌ترین وجوه مسئولیت‌های اجتماعی، کارکنان سازمان‌ها هستند. کارکنان هر سازمان بالاخص بنگاه‌های بزرگ، سفیران آن سازمان هستند که در آشتی صنعت و مردم نقش بسیار مهمی ایفا می‌کنند. از منظر جامعه سازمان‌هایی متعالی و موجه هستند که کارکنانی با نشاط داشته باشند. کارکنان این نشاط را به خانواده‌های خود که بخشی قابل‌توجه از جامعه شهری هستند منتقل می‌کنند.

غفلت از کارکنان و خانواده‌های آنان آثار مخرب و زیان‌باری چه در بخش عملکردی و موفقیت بنگاه‌ها و چه در بخش برقراری ارتباط منطقی با جامعه به‌دنبال خواهد داشت. به‌طور قطع، شادابی کارکنان و خانواده‌های آنان از رضایت شغلی و تعلق سازمانی افراد نشأت می‌گیرد.

بنابراین به‌کارگیری مدیران جامع‌الاطراف در رأس سازمان‌ها و بنگاه‌ها در تحقق آشتی صنعت و مردم مناطق صنعتی بسیار حائز اهمیت است. این مدیران به‌منظور تعالی در وجوه مختلف فردی، اجتماعی و مدیریتی ضمن حضور در میان مردم و برقراری همکاری سازنده با آنان، هم‌زمان مأموریت‌های صنعتی و تولیدی خود را به انجام رسانده و تعادل و

توازن بین حوزه مأموریت اجرایی و فعالیتهای اجتماعی برقرار می‌کنند.

این دسته از مدیران با حفظ ارتباط بسیار تنگاتنگ با بخشهای دولتی و حاکمیتی و دریافت مسائل و مشکلات شهری از طریق این بخش از تعامل با معتمدین و امنای مردم، فعالان اجتماعی و اقشار مردمی غافل نمیشوند تا از تسری تصمیمها و اقدامها بنگاهشان در خصوص مسئولیتهای اجتماعی اطمینان یابند.

رهاورد حضور مدیران در جامعه از یکسو ایجاد فرصتی برای طرح بدون واسطه دیدگاههای سازمانی و مدیریتی بوده و از تحریف و تغییر اطلاعات ارائه‌شده به مردم پیشگیری می‌کند و از سوی دیگر دیدگاههای جامعه بدون واسطه از سوی مدیر ارشد دریافت شده و روشی برای ارزیابی میدانی نتایج عملکرد در این حوزه است